

پنجشنبه نهم آذرماه ۱۴۰۲

مشهد مقدس

دانشگاه علوم اسلامی رضوی سلام الله عليه

ادامه مباحثی از فقه القضا

نشست دوازدهم

موضوع باقی مانده: رابطه سببیت در متون فقهی

و دوم: رابطه سببیت در حقوق کیفری ایران

ایه الرجال قوامون علی النساء می دانید که از گذشته ها محل بحث بوده مخصوصا الان به شدت محل بحث است و برخی می خواهند از این آیه استفاده کنند که زن بر مرد ولایت ندارد و هر پستی که همراه باشد بر ولایت بر مردان از آن زنان نیست.

موضوع اول ارتباط مستقیم با بحث های قضایی دارد و اصولا پرونده محور است و بحث دوم یک بخشی به قضاوت مرتبط می شود آن جا که به این آیه اشاره میشود، عدم صلاحیت خانم ها برای قضاوت به این عنوان که القضاوت ولایة و لا ولایة للمرأة علی الرجل... ممکن است بگوییم این روایت مربوط به ولایت زن بر مرد باشد اما گاه پرونده زنانه است و دوزن با هم اختلاف دارند، این جا چه می شود؟

ارائه کنفرانس : دانشجو: رابطه سببیت در حقوق کیفری ایران

.....

استاد: از جمله مواردی که آقای دکتر میر محمدی به آن اشاره می کند همین است.... یکی از مراجع معاصر شیخ یوسف مدنی تبریزی هم در این باره نظری دارند؛ قصه از این قرار هست که شخصی به مغز کسی شلیک می کند، و شخصی هم همزمان به قلب همان شخص شلیک میکند، پزشک قانونی تشخیص داده که به خاطر تلاشی مغز است که مقتول، فوت کرده است... عرف خاص یا همان کارشناس می گوید آن که به مغز شلیک کرده است، اما عرف به این دو نفر میگویند: که شما یک آدم را به قتل رساندید... هر دو را هم دستگیر می کنند و هر دو را ملامت می کنند و... به هر حال عرف است..... از آن چیزهایی که من هم تعجب کردم که به شکل فتوا بیان شده و هم از ایشان که به زبان تایید می خواست بیان کند....

گاهی اوقات که رفقا از مراجع استفتاء می گیرند ، اشتباهاتی هم می کنند.

به هر حال حرف بغایت اشتباه است ما در این جور موارد، به عرف عام رجوع نمی کنیم حتی به عرف خاص هم رجوع نمی کنیم یعنی عرف خاص هم موضوعیت ندارد. این جور جاها معیار، «واقع» است.... ما معمولا راهی به تشخیص واقع نداریم جز عرف خاص که در این صورت به عرف خاص مراجعه

می کنیم؛ مثلاً شما به دکتر مراجعه می کنید، و دکتر به شما می گوید که روزه برای شما ضرر دارد، فکر نکنید نظر کارشناس اصالت دارد و لذا اگر طرف بگوید به دکتر، جناب دکتر! شما این حرف را میزنید ولی من هر روزی را که روزه می گیرم سالمترم شادابترم... مسلم است چنین کسی نباید از حرف پزشک متابعت کند...

اکثر فضیلهای حوزه و دانشگاه میگویند عرف خاص، ولی باید توجه کرد عرف خاص، مرجعیت طریقی دارد نه مرجعیت موضوعی ...

این جا البته ما قاعدتاً طریقی نداریم مگر عرف خاص و من این را هم البته قبول دارم .
واقع کاشف می خوهد و کاشف واقع نظر کارشناس است .

از همین جا مشخص است چقدر مطالعاتی که ما عادت نداریم، لازم است.... بحث عرف را ما نه در رسائل داریم و نه در کفایه... و لذا چون در این منابع نیست و لذا در دروسهای حوزه و دانشگاه هم نیست...

سوال این است که اهمیت بحث عرف کمتر از برخی بحثهای اصولی است یا کمتر از بحث مشتق است؟
کمتر از بحث نواهی است؟

این ها را باید کار کرد موضوعات را کار نداشته باشید که در مواد درسی هست یا نیست باید واقعا کار کرد و بحث ها را جدی بگیرید.

اولین بار مکاسب آن جایی که شیخ مطرح می کند فروش انگور به کسی که می دانیم آن را شراب می کند ، بیع العنب ممنوع است که معامله خمر... آیا این بیع درست است نیست؟ اعانت بر اثم هست یا نیست؟ این جا بحث اعانت مطرح می شود. بعد سوال می شود اعانت به چه می گویند؟ سوال می شود آیا اعانت کمک به مقدمات قریب است؟ یا کمک به مقدمات بعید هم اعانت است؟ دوم: این که آیا قصد مجرمانه هم لازم است که معین باشد یا نه؟ سوم: آیا وقوع معان علیه در صدق اعانت لازم است یا نه؟ اگر کسی اعانت کرد، اما واقع نشد، این در واقع اعانت نیست و جرم عقیم است. چهارم... پنجم....

این جا فقها به جان هم افتادند راجع به معنای اعانت

صرفاً فقها نیفتادند دنبال معنای این کلمه حقوقدانها و فیلسوفان هم این اختلافات را داشتند و در واقع یک بحث جهانی شد .

بعد شیخ انصاری به چند نظر اشاره می کند از جمله نظری که میگوید اعانت باید بر مقدمات نزدیک باشد و قصد مجرمانه هم در کار باشد و معان هم در خارج واقع شود و هر کدام از این ها که نباشد، اعانت نیست.

مثلاً این که یک مفتی در عربستان صحبت می کند و کسی بلند می شود و می رود در عراق آدم می کشد این اعانت نیست چون از مقدمات نزدیک نیست اما کسی به کسی چاقو می دهد و میگوید برو آدم

بکش این مصداق اعانت است ؛ پس مقدمات قریب باشد و قصد هم مجرمانه باشد و معان علیه هم واقع شود. اما برخی می گویند هیچ کدام از این ها نیست... اعانت یعنی کمک یعنی باعث شده است...

من فکری به ذهنم رسید و آن این که (دو سه دهه پیش) و آن این که ما بگوییم یک عنصر ثابت اگر باشد یا بگوییم عناصر متغیر مثلا اگر مقدمات نزدیک است بگوییم قصد دیگر نمی خواهد ولی اگر مقدمات بعید است بگوییم قصد می خواهد... دیگران یک پکیج درست می گردند و می گفتند آره یا نه... ما میگوییم عناصر علی البدل.. در مقدمات قریب قصد لازم نیست وقتی یک نفر عصبانی است و شما به دست او چاقو می دهی می توانی بگویی من قصد نداشتم !

قطعا این جا شمایی که چاقو به دست این ادم عصبانی دیوانه دادی که قصد و غیر قصد معنا ندارد مسلم است که این با این حالت می رود و آدم می کشد ...

یا بین وقوع معان علیه - چون گاهی اوقات آن عمل واقع نمی شود- ما بگوییم اگر مقدمات غریب است و تو هم قصد مجرمانه داری ولی اتفاقی شخص خریدار انگورها را فروخت و او هم رفت که شرابش کند، و نیروی انتظامی ریخت، و اموال شما را مصادره کرد .. این دیگر اعانت است و جرم را مرتکب شده ای و این جا دیگر وقوع را لازم ندارد ولی اگر مثلا قصد مجرمانه ندارد وقوع لازم دارد

در بحث سببیت ، ببینید همین که دیدید که آن قدر علمای ما اختلاف دارند و جالب این که یک مصداق را یک فقیه ما گفته مباشر است و همان مصداق را گفته سبب است .

البته ما سببیت نداریم و عنصر انتساب داریم.. انتساب جرم به کسی مثلا بگوییم عنصر ثابت در انتساب این باشد که اگر این نکرده بود، نمی شد...

این دیگر کف انتساب است اما عناصر دیگر مثل قصد و واسطه کم و واسطه زیاد و ... این ها را باید شناور کرد .

و یا ممکن است برخی مسائل در موضوع اعانت اثر نداشته باشد در حکم اعانت اثر داشته باشد .

راجع به تعاون بر اثم و عدوان هم من در کتاب آوردم و هم این که در مقاله به آن اشاره کردم و من جای شما باشم هم کتاب (فقه و حقوق قراردادهای ادله عام قرآنی) ؛ یکی از ادله و لا تعاونوا علی الاثم و العدوان ؛ آن جا ما مفصل بحث کردیم عناصر علی البدل را هم آن جا ما مفصل صحبت کردیم .

ارائه کنفرانس دانشجو.....

استاد: یکی از آیات پر بحث ، مخصوصا در دوران معاصر همین آیه است ..*الرجال قوامون علی النساء بما فضل الله بعضهم علی بعض و بما انفقوا....* ...سنگینی بار استدلال به این آیه، بر کلمه قوامون است ..مردان قوام اند بر زنان ...اولا آیه می خواهد به طور عام مطرح کند؟ یا به قرینه سیاق؟... بحث شوهران بر همسران است ... این جا بنده در مقاله به آن اشاره کردم که بحث سیاق و خانواده است . و قوام هم نه به معنای صاحب ولایت به معنای من قام به الامر است قهرا این طور می شود که

شوهران به دلیل مسائل مالی که دارند، قوام اند...یک جاهایی است که باید یک نفر تصمیم گیرنده باشد و امور خانه معمولا به دست خانم ها است اما مسائل مالی به دست زنان است. ولی به هر صورت تدبیر به دست مردان است و این ربطی به ولایت مردان بر زنان و سلب ولایت زنان ندارد.

این جا مطلبی که در مقاله خیلی به چشم می خورد این است که نقضش که من بر برخی آقایان دارم که زن اگر به وزارت برسد، ناراحت می شوند...من به آن ها اشکال می گیرم شما این جریان ولایت زنان را که ایراد می گیرید این قضیه می تواند شامل مردان هم شود که گاه یک مدرسه ممکن است مدیر زن اما برخی مردان معلم آن مدارس باشند، یا کسانی باشند که در مدرسه اند و شما مدیریت زن را در دبیرستان می پذیرید سوال میکنیم در درمان گاه و بیمارستان چه می شود؟ لذا فارغ از این که ما خواسته باشیم ما واقعا مطالبه فضا را جواب بدهیم یا مثلا نظریه به روزی داده باشیم این طور نیست من معتقدم برداشت ها این اقتضا را می کند و اگر کسی هم برداشتی دارد و نظری دارد این مقاله هست

علی ای حال این بحث آیه هست ویک چیزی که کسی از این آیه استفاده نکرده است؛ و قابل استفاده است همان ولایت عالمان عاقل عادل است...که کسی غیر مسلمان ولایت داشته باشد مثلا مردم فرانسه به یک رئیس جمهور عاقل رای دادند، اولاً عاقل است و عقل اداره جامعه را دارد عالم است و فنون اداره جامعه را بلد است و عادل است یعنی اهل عدالت اجتماعی است؛ عاقل، عالم و عادل ...

قرآن می گوید مردان بر زنان ولایت دارند به دو ملاک: یکی فضل الله بعضهم علی بعض اند..بالاخره در کل امور مردان در اداره تدبیر قوی ترند...دوم: خرجی میدهند...این قسم دوم به کار ما نمی آید اما این قسم آیه که فضل الله بعضهم علی بعض...به کار ما می آید...بالاخره سوال این است که کشورهای دیگر رئیس جمهور می خواهد یا نه؟ مصادیقی است که خانم هایی در کشورهای مثل آلمان یا هند یا مالزی سمت هایی دارند و گاه صدراعظم یا رئیس جمهور و یا نخست وزیر هم هستند خوب اداره میکنند و برعکس مثلادر آمریکا یا فرانسه که به دست مردان است یا

البته بحث دامنه دار است...نباید مدام دنبال رساله و پایان نامه بود....فقط باید دنبال بود و ببینید در این حیطه چقدر موضوع هست که جای کار دارد و کار هم نشده است.

انشالله که درسها را خوب میخوانید، جامعه نیاز به عالم دارد...نه نیاز به عنوان دار...عالم کسی که واقعا متضلع باشد فرق هم نمی کند زن باشد یا مرد چهره ها هم چهره های نشیطی است اگر به همین سبک و سیاق ادامه دهید، انشالله به هر حال انتظار هست چه در دانشگاه یا در حوزه به مراتبی برسید....معلمی یادتان نرود البته تقوا وجای خود دارد. شما کنار بهشتید از این بهشت و بهشتی (امام علی بن موسی الرضا علیه آلاف التحية والثناء) استفاده کنید.